

«بررسی و مقایسه‌ی مفهوم «عادت‌ستیزی» در اندیشه‌ی عین‌القضات همدانی و سهراب سپهری»

ساره تربیت^۱، محمد عنایتی قادیکلایی^۲



تاریخ دریافت: ۹۴/۰۹/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۶

چکیده

سهراب سپهری از معدود شاعران تأثیرگذار معاصر ایران است که تمایلات عارفانه در اشعارش دیده می‌شود. برخی اندیشه‌های وی را متأثر از عرفان خاور دور و تعلیم ذن و بودا می‌دانند و عده‌ای بر این باورند که آراء و نظریات وی به آراء و نظریات عارفانی چون مولوی، ابوسعید و... نزدیک است. یکی از مفاهیم عرفانی مطرح شده در شعر سهراب سپهری، مفهوم «عادت‌ستیزی» است. «عادت‌ستیزی» به این معناست که عارف سعی می‌کند با به کارگیری شگردهایی، غبار عادت را از چهره‌ی حقیقت بزداید. وی می‌خواهد ذهن مخاطب را از قیود عادت، تقلید و تعصب آزاد سازد و با شکستن بت‌های ذهنی و تقدس‌زدایی از برخی مفاهیم موروثی، به مخاطب اجازه دهد بدون واسطه ببیند و حقایق را درک کند. این اندیشه‌ی عادت‌ستیزانه را در نوشته‌های عین‌القضات همدانی نیز می‌توان یافت. در این جستار به شیوه توصیفی-تحلیلی به مقایسه‌ی عقاید عین‌القضات و سپهری درباره‌ی عادت‌ستیزی پرداختیم و مشخص شد که این مفهوم در اندیشه‌ی آن‌ها یکسان مطرح شده و نظریاتشان بسیار به هم نزدیک است. بنابراین شاید بتوان گفت عرفان سپهری، ادامه‌ی عرفان اصیل ایرانی است و سهراب در بیان تفکرات خود، اندیشه‌های عارفان بزرگ ایرانی، از جمله عین‌القضات را پیش چشم داشته است.

کلید واژه‌ها: عادت‌ستیزی، عادت‌پرستی، عرفان، سهراب سپهری، عین‌القضات همدانی

۱- دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل خرمشهر- خلیج فارس، ایران.
sara.tarbiat@gmail.com

۲- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران، ایران. enayati7663@yahoo.com

از دیدگاه عین‌القضات، برای رسیدن به فهم اسرار راهی جز عادت‌ستیزی نیست. باید چشم‌های عادت‌بین را شست و تمام شنیده‌ها و دیده‌های گذشته را به دست فراموشی سپرد و به تفکر و اندیشه نشست تا چشم دل بینا گردد و اسرار هویدا.

سهراب سپهری و «عادت‌ستیزی»

سپهری از شاعرانی است که آراء و نظرات متفاوتی درباره‌ی او و شعرش مطرح شده است؛ شمیسا او را از معدود شاعرانی می‌داند که دستگاه منسجم فکری خاص خود را دارد و برای فهمیدن شعر او باید با کلید آن ساختمان فکری آشنا باشیم (شمیسا، ۱۳۷۶: ۱۱). حسینی، شعر سپهری را به اعتبار عملکرد ظریف و دامنه‌دار قوه‌ی خیال و نقش‌آفرینی‌های ذهن و پیچ و تاب‌های زبان، به شعر سبک‌های هندی متعلق می‌داند (حسینی، ۱۳۶۷: ۵۶) برخی بر این باورند که شعر سپهری، به دلیل توجه به کشف لحظه‌های زندگی، رنگ و بوی خاص دارد و پر از تصویرها و رنگ‌هاست (آشوری و دیگران، ۱۳۷۱: ۱۹) و براهنی شعر او را شعر‌هایکوه‌های به هم پیوسته و تصاویر تقطیع شده می‌داند و معتقد است شعر او صمیمیتی خنثی و بی‌بو و بی‌خاصیت دارد و بر آن یکپارچگی کامل حاکم نیست (براهنی، ۱۳۷۱: ۳۰۹-۳۰۵).

سپهری از معدود شاعران معاصر ایران است که به «عرفان مشربی» مشهور است. شکی نیست که سهراب دارای تاملات صوفیانه است اما درباره‌ی اینکه منشا عرفان وی کجاست، حرف و حدیث بسیار است؛ غالب صاحب‌نظران، عرفان او را متأثر از عرفان شرق می‌دانند و برخی دیگر نیز عرفان او را الهی و از جنس عرفان کهن متصور شده‌اند و معتقدند آرا و نظریات وی کاملاً با نظریات بزرگان عرفان ایرانی مانند مولوی، ابوسعید ابوالخیر و... شباهت دارد. برخی نیز برآنند که عرفان سهراب خاص خود اوست و از هر آبخوری که باشد باز ویژگی‌های منحصر به فرد خود را

فهرست منابع

۱. آشوری، داریوش. و دیگران (۱۳۷۱). پیامی در راه. تهران: طهوری.
۲. براهنی، رضا. (۱۳۷۱). طلا در مس. جلد اول. تهران: زریاب.
۳. حاکمی، اسماعیل. (۱۳۶۷). «لحظه‌های شفاف...زبانی شفاف». یادمان سهراب سپهری به کوشش ناصر بزرگمهر. تهران: دفتر نشر آثار هنری، صص ۱۳۴-۱۲۷
۴. حسینی، حسن. (۱۳۶۷). بیدل، سپهری و سبک هندی. تهران: سروش.
۵. راستگو، سید محمد. (۱۳۸۴). «جور دیگر دیدن». مجله تخصصی مطالعات عرفانی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان. شماره دوم، زمستان، ۱۰۴-۷۹.
۶. روحانی، مسعود. عنایتی، محمد. (۱۳۸۸). «سهراب سپهری، اندیشه‌ای عادت‌ستیز، شعری هنجارگریز». پژوهش‌های ادبی. سال ششم. شماره ۲۳، ۱۲۶-۱۰۹
۷. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۳). جستجو در تصوف ایران. تهران: امیرکبیر.
۸. زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۳). تصوف اسلامی در منظر تاریخی آن. تهران: سخن.
۹. سپهری، سهراب. (۱۳۸۵). هشت کتاب. تهران: طهوری.
۱۰. شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). نگاهی به سهراب سپهری. تهران: مروارید.
۱۱. شکیبی ممتاز، نسرين. (۱۳۸۴). «مسافری از تمهیدات تا صدای پای آب: مشترکات عین‌القضات همدانی و سهراب سپهری». حافظ. شماره ۱۷، ۳۲-۲۹
۱۲. عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد. (۱۳۷۳). تمهیدات. با مقدمه و تصحیح عقیف عسیران. تهران: منوچهری.
۱۳. عین‌القضات همدانی، عبدالله بن محمد. (۱۳۶۲). نامه‌ها. (دو جلدی) به اهتمام علی‌نقی منزوی-عقیف عسیران. تهران: گلشن.

